

بررسی تناسب آیه اکمال از دیدگاه شیعه

سپیدارستمی مهر

مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

چکیده

در تناسب آیه اکمال با صدر و ذیل خود، نظرات مفسران، خود را در دو دوره های زمانی مختلف نشان می دهد. در دوره نخست که از قرن ۶ تا ۱۴ می باشد. اکثر مفسران معتقدند که این قسمت از آیه که معروف به آیه اکمال است جمله معترضه می باشد که به دلیل اهمیت خاص آن موضوع، لابلای امور دیگر مطرح شده زیرا این کار آشنای ذهن عرب آن روز بوده است. بعد از قرن چهار وجوه متفاوتی در تناسب آیه مطرح می شود که این نظرات ریشه در اعتقاد مفسران در توقیفی یا اجتهادی بودن جمع قرآن دارد و به شرح زیر می باشد:

- کسانی از آنها معتقدند، این آیه یا به دلیل مخالفت و دشمنی با علی (ع) و از روی عناد لابلای محرمات گنجانده شده و یا اینکه بدون غرض شخصی، از باب وضع شیء در غیر محل خود بوده است.

- مفسرانی معتقدند، جمع قرآن توقیفی بوده و تناسب را مطرح شدن آیه در بین عقود مختلف می دانند، زیرا عقود دینی بنای واحدی است که مسلمانان باید به تمامی آن ها پایبند باشند. البته برخی از این مفسران بدون توجه به سیاق، مناسبت

را در محافظت آیه از دستبرد نا اهلان جستجو کرده اند.

از سیاق آیه مورد بحث و سایر آیات سوره مائده به این نتیجه می‌رسیم که خداوند آیه اکمال را بدین گونه تنظیم کرده تا مردم همیشه یاد پیمان ولایت افتاده و برآن متعهد بمانند و بدانند که در صورت شکستن پیمان دچار گمراهی‌های اقوام گذشته می‌شوند که در اثر پیمان شکنی بدانها گرفتار شدند.

کلید واژه‌ها: تناسب، مفسران شیعه، آیه اکمال.

مقدمه

قرآن معجزه جاوید خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی (ص) می‌باشد و نشانه حقانیت پیامبر اسلام در تمامی اعصار و قرون مختلف؛ این معجزه جاوید تا به حال از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته و چه بسا باعث بوجود آمدن علمی و یا پیشرفت علوم مختلف گردیده است.

این معجزه جاوید، دارای جنبه‌های بسیار گوناگون اعجاز است که یکی از وجوه اعجاز آن همان اعجاز بیانی قرآن کریم است که اعراب آن زمان را که در شعر و ادب به اوج پیشرفت خود رسیده بودند، شیفته و مغلوب خود کرده بود، جذابیت و بیان قرآن طوری بود که معاندان و مشرکان مکه را شبانه از خانه خود بیرون می‌کشید تا مخفیانه به سخن دلنشین و جذاب قرآن گوش فرا دهند.^۱

علما و دانشمندان قرآنی به دنبال بررسی اعجاز قرآن کریم، علم تناسب را پایه گذاری کردند که این علم اولین بار توسط ابوبکر نیشابوری در قرن چهارم مطرح شد و همگام با بحثهای اعجاز پیش رفت و در قرن هشتم به اوج خود رسید.^۲

علم تناسب متکفل تبیین و روشن سازی رابطه میان آیات و بیان مناسبتهای مختلف میان آیات یک سوره و احتمالاً ذکر مناسبت یک سوره با سور دیگر است.^۳

علم تناسب، کتابهایی را به خود اختصاص داد و به تدریج در نوشته‌های تفسیری مفسران نیز قدم گذارد و باعث کشف وجوه اعجاز گونه تناسب، میان برخی آیات سور شد؛ مثلاً تناسب سور حوامیم از دستاوردهای همین علم می‌باشد. در این میان آیاتی در سوره‌ها همچون نگین برجسته نظر مفسران و دانشمندان قرآن را به خود جلب کرد که این

آیات چه تناسب و هماهنگی می‌تواند با صدر و ذیل خود و یا در برخی موارد با کل آیات در سوره داشته باشد؟

یکی از این آیات، آیه اکمال (مائده / ۳) است که محتوای آن یأس کفار از نابودی دین اسلام و اکمال دین و اتمام نعمت و برگزیدن دین اسلام می‌باشد که در جریان غدیر خم نازل شده و در مورد نصب علی^(ع) به ولایت تمام مسلمین است و همچنین این آیه در لایزال ذکر محرمات و اجتناب از آنها جای گرفته است.

مفسران شیعه بر خلاف مفسران اهل سنت، با استناد به روایات متعدد معصومین^(ع) معتقدند که این آیه همراه با آیه ابلاغ، در جریان ولایت علی^(ع) نازل شده است بنابراین در صدد برآمده‌اند تا وجه یا وجوه تناسبی، برای این قسمت از آیه با آیات قبل و بعد بیان دارند.

با بررسی وجود یا عدم وجود تناسب میان این آیه با صدر و ذیل خود، می‌توان به مقدماتی دست یافت که می‌شود با آنها به اجتهادی یا توقیفی^۴ بودن جمع آیات در سور پرداخت و همچنین دست ردی بر سینه مستشرقان است که معتقدند قرآن به دلیل سخن گفتن از امور متعدد در یک سوره، دارای متنی نا همگون و نا استوار می‌باشد و نمی‌توان بر چنین متنی تمسک نمود.

به همین دلیل به بررسی و تبیین نظر مفسران شیعه نسبت به تناسب این آیه از قرن تا به حال پرداخته ایم و این بررسی را از تفسیر مجمع البیان که تألیف قرن ششم است، شروع نموده ایم زیرا مجمع البیان هم جامع اقوال تفسیری مفسران قبل از خود است و هم، چنان جایگاهی دارد که توانسته است مقبولیت و مرجع بودن خود را تا به حال برای عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی حفظ کند و تنها تفسیر شیعی است که در دانشگاه الازهر مصر تدریس می‌گردد.

بررسی تناسب آیه اکمال از نظر مفسران شیعه

آیه اکمال: حَرَمْتُ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا اَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا اَكَلَ السَّجَّعُ اَلَا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا ذَبَحَ عَلَى النَّصَبِ وَان تَشْتَرُوا بِالْاِزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسَقُ الْيَوْمَ يَشْسُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ

لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا فمن اضطر فی مخصصه غیر متجانف لاثم فان الله غفور رحیم (مانده، ۳/۵)؛ برای شما مومنان گوشت مردار و خون و خوک و آن ذبیحه ای را که به نام غیر خدا کشتند همه حرام شد و نیز حرام است هر حیوانی که به خفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیز نیم خورده درنده گان جز آن را که قبلاً تذکیر کرده باشید حرام است و نیز آن را که برای بتان می کشید و آن را که به تیرها قسمت می کنید که این کار فسق است امروز کافران از اینکه به دین شما دست برد بزنند و اختلالی برسانند طمع بریدند پس شما از آنان بیمناک نگشته و از من بترسید امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم پس هرگاه کسی در ایام سختی از روی اضطراب نه به قصد گناه چیزی از آنچه حرام شده مرتکب شود، خدا بسیار بخشنده و مهربان است. ۵

با تتبع انجام گرفته در تفاسیر مختلف، می توان نظر مفسران راجع به تناسب آیه اکمال را به دو دوره زمانی تقسیم کرد:

۱) تا قبل از قرن ۱۴

۲) بعد از قرن ۱۴

با بررسی هایی که بعمل آمده به نظر می رسد قرن ۱۴، نقطه عطفی است که از این زمان به بعد رویکردها و نگرشهای جدیدی در راستای قرآن بوجود می آید و قرآن با دیدگاهها و جوانب مختلف نگریسته شده و مورد بررسی قرار می گیرد.

حال به تبیین نظر مفسران شیعه در این راستا می پردازیم.

۱) دیدگاه مفسران در مورد آیه اکمال تا قبل از قرن ۱۴:

با بررسی تفاسیر موجود تا قبل از قرن چهاردهم، این چنین به دست آمده است که مفسرانی که به تناسب آیات پرداخته اند این آیه و آیات مشابه دیگر را جمله ای معترضه می دانند که در لابلاهی این آیات مطرح شده است و این مطلب، موضوعی بعید از ذهن عرب آن روز نبوده، زیرا شیوه فصحا و بلغای عرب چنین است که ابتدا در یک موضوعی سخن می رانند و بعد به سخن دیگر عدول می نمایند و دوباره به سخن آغازین باز می گردند و این شیوه در اشعار عرب بطور واضح مشهود است؛ در حقیقت اشعار و سخن عرب به چادرهایی می ماند که هر یک از آنها مستقل از دیگری است اما در مجموع یک قوم و قبیله

را تشکیل می دهد.

در فرهنگ قرآنی یکی از موارد کاربرد جمله معترضه نشان دادن اهمیت خاص آن موضوع است که به طور معترضه بیان شده است در تفاسیر موجود تا قبل از قرن ۱۴ که آیه اکمال را جمله معترضه می دانند، علت آن را اهمیت خاص آن موضوع می دانند تا نظر مخاطب را جلب نماید و او را به فکر وادارد که این موضوع با آیات قبل و بعد چه ارتباطی می تواند داشته باشد که آنجا قرار داده شده است؟

تفسیر مجمع البیان جمله: «اليوم ينس الذین کفروا من دینکم»، را جمله معترضه می داند که در لابلای ذکر محرمات آورده شده است.^۶

در تفسیر شریف لاهیجی تألیف قرن ۱۱ نیز درست عین این مطلب آمده است.^۷
در تفسیر کنز الدقایق و بحر الرغایب تألیف قرن ۱۲ نیز همین مطلب آمده است.^۸
(۲) دیدگاه مفسران در مورد آیه اکمال بعد از قرن ۱۴:

در این قرن که تفسیر به رشد و شکوفایی خود می رسد، نظرات جدیدی در باب تناسب این آیه و آیات دیگر مطرح می شود؛ گذشته از آن که اعتقاد به معترضه بودن این آیه در بسیاری از تفاسیر موجود در این زمان همچنان باقی و پابرجاست.
نظربه تعدد آراء و نظرات در مورد مناسبت یا عدم مناسبت آیه مورد بحث می توان دیدگاه مفسران معاصر را در دو دسته کلی بررسی کرد:

الف) کسانی که آیه اکمال را در تناسب با صدر و ذیل ندانسته و قائل به اجتهادی بودن جمع آیات در سور هستند. البته این دسته از مفسران در وصف عدم مناسبت همداستان نیستند بدین صورت که:

(۱) علامه طباطبائی ضمن اعتقاد به معترضه بودن این آیه احتمال اجتهادی بودن آن را نیز تقویت می کند:

این آیه هم از نظر محلی که قرار گرفته و هم از نظر دلالتی که دارد، جریان عجیبی دارد که شما اگر در صدر آیه یعنی «حرمت علیکم الميته» تا «ذلکم فسق» تأمل کنید و ذیل آیه یعنی «فمن اضطر» تا «فان الله غفور رحيم» را بدان اضافه کنید ملاحظه می کنید که کلامی تام است و در تمام بودن معنا و افاده مقصودی که از آن خواسته اند، اصلاً به جمله «اليوم ينس...» متوقف نیست و بستگی ندارد.

آیه «حرمت علیکم» را بدون «الیوم یثس...» یک آیه کامل می یابید و این آیه همانند آیات سوره انعام، نحل و بقره است که قبل از این آیه نازل شده و خوراکی های حرام را بیان می دارد. نتیجه اینکه جمله «الیوم یثس...» جمله معترضه است که وسط آیه گذاشته شده و موید این مطلب روایاتی است که پیرامون سبب نزول این آیه وارد شده و فقط، جمله «الیوم یثس...» را اختصاصاً ذکر می کند و اصلاً متعرض اصل آیه یعنی «حرمت علیکم» نمی شود و این خود موید آن است که جمله «الیوم یثس...» به طور مستقل و منفصل از صدر و ذیل، نازل شده و وقوع این آیه در وسط آن آیه مستند به دستور پیامبر (ص) یا به تالیف کسانی است که بعد از پیامبر (ص) قرآن را جمع آوری کردند.^۹

(۲) صاحب تفسیر اطیب البیان معتقد است که این آیه به علت مخالفت و دشمنی با علی (ع) و از روی عناد لابلای محرمات گنجانده شده است:

معاندین ترتیب نزول این آیه را از روی عناد با امیر المومنین (ع) و غضب خلافت بر هم زدند.

جمله «الیوم یثس الذین کفروا» و «الیوم اکملت لکم دینکم» مربوط به این آیه نیست و بعد از آیه «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک» در غدیر خم، هیجده ذی الحجه نازل شده و در این آیه بعد از جمله «و ان تستقسموا بالازلام» جمله «فمن اضطر فی معصية» بوده، و شاهد بر این مدعی اولاً آیات شریفه دیگر قرآن است که مشابه این آیه می باشد. از جمله آیه ۱۷۳ سوره بقره و آیه ۱۵ سوره نحل و ثانیاً روایاتی که از طریق عامه روایت شده که مضمون این روایات نصب حضرت علی (ع) به ولایت در روز غدیر می باشد.^{۱۰}

(۳) عده ای از مفسران معتقدند که این آیه هنگام جمع آوری قرآن و بدون غرض آنجا قرار داده شده است:

در تفسیر الجدید آمده است:

امر جمع سور چیزی است که صحابه به آن اقدام کردند، لذا برخی از آیات را در جای نامناسب قرار دادند و این اشکال که چرا دو چیز ناهمگون در کنار هم قرار داده شده اند، بر جا معین و مرتبین قرآن بر می گردد نه بر خدای تعالی و پیامبر (ص)

که دستور جمع و ترتیب آن را به علی (ع) داده بودند تا از روی املاى آن حضرت، قرآن را مرتب کند. پس شایسته که این آیه به علت مناسبت موضوعی، ذیل آیات غدیر خم باشد، نه بصورت معترضه بین آیات محرمات. ما نمى گوئیم که این آیه به علت اغراض شخصی آنجا قرار گرفته و یا به زعم تحریف بوده بلکه این کار از باب وضع شیء در غیر محل خود بوده است.^{۱۱}

ب) دسته دوم مفسرانی هستند که آیه اکمال را در تناسب با صدر و ذیل خود دانسته و قائل به توقیفی بودن جمع آیات در سور هستند گرچه در بیان مناسبت وجوه مختلفی را بیان کرده اند.

۱) یکی از مفسران معتقد است این آیه با تناسب کامل در صدر و ذیل و نیز با آیات قبل و بعد خود می باشد:

در تفسیر فرقان آمده است:

تألیف قرآن به وحی صائب خدای متعال بوده؛ آیاتی که نجومأ و منفصل از یکدیگر نازل می شده، به دستور خدای تعالی و توسط پیامبر (ص) در قرآن جای می گرفت. مناسبت حقیقی در این آیه با صدر و ذیل خود در عبارت «أولوا بالعقود» می باشد که عقد ولایت مستمری که در اهل بیت پیامبر (ص) بوده، از اهم عقودى است که در آیه قبل ذکر شده، بنابراین آیه اکمال و اتمام نعمت بین عقود عقیدتی و سیاسی و عملی مطرح شده است. عقود شرعی مانند یک کل لایتجزأ هستند مانند کلیت یک بنایی که قسمتهای مختلف و شکلهای مختلف دارد اما در مجموع یک بنای واحد می باشد و در مجموع باید به همه عقود دینی پایبند بود، بنابراین دین تنها مختص در عبادات و حلال و حرام نمى باشد و یا مختص در تنظیمات اجتماعى مانند عقد ولایت نمى گردد بلکه شامل تمام واجبات دینی اعم از روحی و بدنی است... خدای تعالی برای محرمات بدنی یک حالت اضطرار قرار داده و شخصی که در مخمصه قرار می گیرد، می تواند به قدر ضرورت از گوشت میته بخورد. و اینچنین است رهبری و قیادت اسلامى توسط معصومین (ع) که باید در جامعه اسلامى هم به صورت عملى و ظاهرى و هم به صورت باطنى پیاده شود، اما زمانى که جامعه اسلامى از اعمال ظاهرى ولایت

معصوم محروم بماند و به نوعی در محاصره قرار گیرد، پذیرش رهبری روحی و پیوند روحی با معصومین^(ع) بدون تجاوز به حریم کلی رهبری ایشان مطرح می شود، بنابراین آیه اکمال در تناسب کامل با قسمتها و آیات قبل و بعد خود قرار دارد. ۱۲

و یا در تفسیر من هدی القرآن آمده است :

از آنجا که سوره مائده بعد از همه سوره های قرآنی از نازل شده، مسئله تکمیل دین در آن مطرح شده است. طبعاً مسئله رهبری اسلامی بارزترین و مهمترین قضایایی است که در آن مطرح شده، تا مردم بدانند که ائمه معصومین^(ع) رهبران واقعی دینی امت هستند. خواه از لحاظ سیاسی بر بلاد حکومت کنند یا نه و خواه به مصالح عالیه امت قیام نمایند یا نه. البته رهبری در منطق اسلامی هنگامی دارای معناست که از رسوبات جاهلی پالوده باشد و با دلیری تمام بی هیچ خوف و وحشتی برای تنفیذ تعالیم اسلامی رودرروی جاهلیت بایستد، از این روست که در ضمن حدیث از پاره ای از عادات جاهلی که اسلام آنها را ممنوع فرمود به مسئله رهبری اشارت می رود تا معلوم دارد که رهبری از آیین دینی جدانیست و اسلام کسی را به رهبری نمی شناسد مگر آنکه موبه مو احکام را رعایت کند. مسلم است به این تعبیر به کسانی که خود را زیر پوشش کلمات پرطنین دینی و شعارهای پرخروش اسلامی پنهان کرده اند ولی در اجرای احکام قدمی بر نمی دارند واقعی نمی نهد. ۱۳

در پژوهشی در نظم قرآن آمده است :

یکی از عناصری که در آن زمان باعث شد تا کافران از دست کشیدن مسلمانان از آیین خود مأیوس شوند، نسخ پاره ای از احکام تورات و حلّیت بهیمه انعام بود که به عنوان کيفر بر بنی اسرائیل حرام شده بود. کامل شدن فرائض دینی نیز با نزول حکم حرمت انواع مردار، خون و گوشت هایی که کافران در راه بتها قربانی می کردند در این جهت بی تأثیر نبود. همچنین از مهمترین عواملی که چنین نتیجه ای به دنبال آورد، بیان مسأله ولایت از جانب پیامبر^(ص) و نصب امام علی^(ع) به این مقام بزرگ بود هرچند که کافران و یهودیان امید داشتند با رحلت حضرت رسول^(ص) دین

اسلام نیز رخت بر بندد، از این رو تعیین ولی بعد وفات مقام رسالت نعمتی سترگ بود که باعث یأس کفار و یهود از بازگشت مسلمانان از دین خود گردید. براین اساس باید گفت: اگر در ضمن آیه از احکام مربوط به خوراکی ها به «الیوم یثس الذین کفروا...» انتقالی صورت گرفته، نظر به دخالت همین مناسبت ها بوده و تأثیری که معرفی امام علی (ع) به عنوان ولی مسلمانان در کفار و یهود نهاد، کما پیش مشابه همان پیامدی بود که نسخ برخی احکام تورات و کامل شدن احکام خوراکی ها به همراه داشت.^{۱۴}

(۲) مفسر من وحی القرآن این آیه را مستقل از قسمت های قبل دانسته و معتقد است این آیه طبق دستور پیامبر و با لحاظ مناسبت آنجا قرار گرفته است:

آیات قرآن بر اساس سیر نزول تاریخی جمع نشده اند چنانکه بعضی آیات مکی در سور مدنی داخل شده، بلکه تابع ملاحظاتی بود که پیامبر (ص) در جمع قرآن داشته اند و این آیه به دستور پیامبر آنجا قرار داده شده است و چه بسا مناسبت در این موضوعات، این باشد که در قسمت قبل و بعد از آیه احکام دین به تفصیل بیان شده، بنابراین اتمام دینی که با نبوت پیامبر (ص) آغاز شده، با قضیه ولایت، می تواند تناسب با آیات قبل و بعد داشته باشد.^{۱۵}

یکی دیگر از مفسران نیز اهمیت مسئله ولایت را دلیل جای گرفتن آیه در لابلای احکام دینی دانسته و در تفسیر خود، مواهب الرحمان آورده است:

صدر آیه مبارکه، دلالت بر حرمت میت و بقیه محرّمات طعام دارد و ذیل آن بر حلیت آن در حال اضطرار و مخمّصه اشاره می کند و مجموع صدر و ذیل آیه کاملاً وحدت موضوعی دارد و تمامیت این جملات به چیز دیگری بستگی ندارد و نظیر این آیه در سور دیگر نیز وجود دارد مانند آیه ۱۷۳ سوره بقره که می فرماید: **إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَن أَضْطَرَّ غَيْرِ بَآغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ**، بنابراین سیاق آیه کریمه بر این دلالت دارد که آیه اکمال جمله معترضه ای است که در ضمن آیه مبارکه ای که برای بیان محرّمات طعام نازل شده، گنجانده شده است و این عادت قرآن کریم است که هر گاه بخواهد امری از امور را بیان کند که دارای اهمیت خاصی است، آن را در

ضمن آیاتی که شامل احکام متعدد می باشد، قرار می دهد و این یک اسلوب بلاغی مستحسن نزد بلغا و فصحا می باشد... از روایات شان نزول استفاده می شود که این آیه مستقل از صدر و ذیل خود نازل شده است و حال فرقی ندارد که خدای تعالی این آیه را این گونه نازل کرده و یا پیامبر به امر خدا آنجا قرار داده باشد و یا کتاب وحی به دستور پیامبر صلی علیه و آله و سلم.^{۱۶}

(۳) برخی از مفسران بدون توجه به سیاق، مناسبت را در محافظت آیه از دستبرد نااهلان جستجو کرده اند:

در تفسیر نمونه آمده است:

ممکن است قراردادن آیه مربوط به غدیر در لابلای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام، برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد زیرا بسیار می شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس، آن را با مطالب ساده ای می آمیزند تا کمتر جلب توجه نماید. حوادثی که در آخرین ساعات عمر پیامبر (ص) واقع شد و مخالفت صریحی که از طرف بعضی افراد برای نوشتن وصیتنامه از طرف پیامبر (ص) به عمل آمد، تا آنجا که پیامبر (ص) را (العیاذ بالله) متهم به هذیان گویی و بیماری! و گفتن سخنان نا موزون کردند و شرح آن در کتب معروف اسلامی اعم از کتب اهل تسنن و شیعه نقل شده، شاهد گویایی است بر اینکه بعضی از افراد حساسیت خاصی در مسأله خلافت و جانشینی پیامبر (ص) داشتند و برای انکار آن حد و مرزی قائل نبودند.^{۱۷}

و یا در تفسیر نور، نیز آمده است:

معمولاً چیزهای با ارزش را در لابلای چیزهای کم ارزش قرار می دهند تا از دستبرد نااهلان محفوظ بماند و این گونه جاسازی ها رمز حفظ قرآن از دستبرد نااهلان است درست همان گونه که گاهی زنان هنگام خروج از خانه زیور آلات خود را لابلای پنبه های متکا قرار می دهند با اینکه طلا و پنبه رابطه ای ندارند ولی برای محفوظ ماندن از دستبرد نااهلان این کار انجام می گیرد.^{۱۸}

اعتقاد بر معترضه بودن این آیه در تفاسیر دیگر نیز به چشم می خورد.

بررسی و نتیجه گیری

از زمانی که بحث تناسب آیات و سوره با یکدیگر مطرح شده، آیه اکمال نظرات گوناگونی را در ذکر وجه تناسب در خود پذیرا بوده و اخیراً مناسبت آیه را در سیاق جستجو کرده اند؛ [سیاق، عبارت از نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه ها و جملات دیگر بوجود می آید].^{۱۹} بر این اساس معتقدند که آیه به دلیل سخن گفتن از احکام متعدد دین، در تناسب کاملاً متین و استواری با قبل و بعد از خود قرار دارد زیرا آیه اکمال محتوی حکم ولایت علی (ع) و به دنبال ایشان حکم ولایت اهل بیت و فرزندان معصوم ایشان است. بنابراین این قسمت از آیه با قسمتهای قبل و بعد خود رابطه ای ناگسستنی دارد زیرا در هر قسمت از آیه حکمی از احکام دین بیان شده است.

در ضمن اگر به سیاق آیات سوره مائده با دیده تأمل بنگریم خواهیم دید که چند موضوع در طول سوره، بارها مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است:

۱. خداوند در اول سوره از عقود سخن می گوید که شامل تمام عقود و عهود می شود و در لابلای آیات از عدم وفای به عهد اقوام گذشته و سرگردانیهای آنها و سرگذشت بد آنها در اثر بی وفایی به عهد، سخن به میان می آورد.

۲. در این سوره مکرراً از سرگذشت اقوام گذشته اعم از پسران آدم، قوم یهود و نصارا بحث می کند و مخصوصاً یادآور پیمانهای آنها می شود که بستند اما غدر کردند و شکستند و وفا ننمودند و به همین دلیل دچار سرگردانی و گمراهی شدند. بنابراین تنها راه سعادت را، اطاعت از پیامبر (ص) در همه امور، مخصوصاً ولایت معرفی کرده است.

۳. در این سوره کراراً از احکام اسلامی اعم از احکام خوردنیها و آشامیدنی ها و احکام حج و... سخن می گوید.

با توجه به نکات فوق و اینکه آیات اکمال، ولایت (مائده/۵۵) و ابلاغ (مائده/۶۷) که هر سه در شأن حضرت علی (ع) - که برترین مخلوقات بعد از نبی کریم است - می باشد و هر سه این آیات در این سوره مطرح شده می توان نتیجه گرفت که خداوند آیات را در این سوره بدین گونه تنظیم نموده تا مردم همیشه به پیمان ولایتی که با علی (ع) بستند، متعهد بمانند و بدانند که در صورت شکستن پیمان، دچار گمراهیها و سرگردانیهایی می شوند که

اقوام گذشته نیز در اثر شکستن پیمانهای خود به آن گرفتار شدند.

بنابراین علیرغم وجود روایات متعدد مبنی بر نزول آیه اکمال بطور مستقل و منفصل از اجزای قبل و بعد خود، چون جمع آیات در سوره‌ها به دست خود پیامبر و به اذن الهی بوده، احتمال هرگونه اجتهاد صحابه درجای دادن این قسمت از آیه در لابلای محرمات منتفی می‌گردد زیرا آیه در تناسب کامل با قسمتهای قبل و بعد قرار دارد و هیچ ناهمگونی در بین آیات مشاهده نمی‌شود.

علاوه بر آن متشرقان هم زمانی می‌توانند ادعا کنند که قرآن دارای متنی نا استوار است که احتمال اجتهاد صحابه در چینش آیات در سوره‌ها وجود داشته باشد و افرادی از صدر اسلام بتوانند آیه‌ای را به دلخواه در هر جای قرآن که می‌خواسته‌اند قرارداده باشند و مقصود کلی قرآن را برهم زنند در حالی که ما به یقین می‌دانیم که آیات در سوره‌ها به دستور پیامبر مرتب شده‌اند و اجتهادی بدون جمع قرآن تنها و تنها در ترتیب سوره‌هاست.

علاوه بر آن، قرآن همانند کتب بشری نیست که با آنها مقایسه گردد، بلکه قرآن معجزه جاوید پیامبر از جانب خداست که همه جوانب امور را لحاظ کرده و از موارد متعدد سخن گفته و شاید یکی از دلایل اعجاز قرآن هم همین است که در یک سوره به ظاهر کوچک از موارد متعدد سخن گفته برخلاف کتب بشری که حول یک محور و موضوع بحث می‌کنند. ۴. به اینکه آیات با دستور خدا و پیامبر، که فرمانش در راستای امر الهی است در سوره‌ها مرتب شده باشد جمع توفیقی گویند ولی اگر در مرتب کردن آیات یا سوره‌ها کنار یکدیگر اجتهاد صحابه دخیل باشد آن را جمع اجتهادی گویند.

۱. معرفت، التهید فی علوم القرآن، ۴/ ۲۰۱.
۲. زرشکی، البرهان فی علوم القرآن، ۱/ ۶۲.
۳. همان، ۶۱، با تلخیص.
۴. توفیقی به این معناست که آیات به دستور خداوند توسط پیامبر مرتب شده و بیان گردیده. ولی اگر در مرتب کردن آیات یا سوره‌ها اجتهاد صحابه دخیل باشد آن را جمع اجتهادی گویند.
۵. ترجمه آیه از الهی قمشه‌ای.
۶. طبرسی. مجمع البیان، ۳/ ۲۴۷.
۷. تفسیر شریف لاهیجی، ۱/ ۶۱۱.
۸. قمی مشهدی، کنز الدقائق و بحر الرغائب، ۴/ ۳۷.
۹. علامه طباطبائی، المیزان، ۱۶/ ۳۱۵.
۱۰. عبدالحسین طیب، الطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۶/ ۳۱۵.
۱۱. سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۲/ ۴۲۱.
۱۲. صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۸/ ۷۳، با تلخیص.
۱۳. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، ۲/ ۲۹۷.
۱۴. فقهی زاده، عبدالهادی. پژوهشی در نظم قرآن/ ۱۰۶.
۱۵. علامه فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ۸/ ۴۸.
۱۶. عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۰/ ۳۰۳.
۱۷. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷/ ۲۹۵.
۱۸. قرآنی، تفسیر نور، ۹/ ۳۶۳.
۱۹. بابایی، عزیزی و روحانی نژاد، روش شناسی تفسیر قرآن/ ۱۲.